دوفصلنامه علمی ـ تخصصی انجمن ادبیات
سال ششم/ شماره ۶/ بهار و تابستان ۱۴۰۲

Two scientific-specialized quarterly journals of Tabligh Scientific Research Association
Year. 6/ No. 6 Spring and Summer 2023

کاربرد آرایه‌های لفظی ادبی در کلام امام خامنه‌ای

□ محمدهاشم حسینی *

چکیده

بهره‌گیری از فنون و آرایه‌های ادبی نقشی بسزای در اثرگذاری کلام و اقناع و انتقال پیام دارد. فن و اسلوب واج‌آرای و نغمه حروف عطفه و احساسات مخاطب را برمی‌انگیزد و آنان را برای دریافت هرچه بهتر پیام تحریک و آماده می‌کند. این ویژگی در کلام امام خامنه‌ای، به بهترین شکل در قالب‌های سجع و قرینه، انواع جناس، مانند جناس تام، نافص و انواع جناس اشتقاق دیده می‌شود

واژگان کلیدی: آرایه، ادبی، لفظ، کلام، امام خامنه‌ای.

---

[۱] * فارغ التحصیل سطح چهار حوزه علمیه و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی جامعة المصطفیﷺ العالمیه.

بیان موضوع

آرایه در حقیقت همان فنونی است که یک خطیب، شاعر و نویسنده در راستای زیبا جلوه دادن کلام و تحریک ذوق، عاطفه و احساسات مخاطب به منظور تأثیرگذاری بیشتر و انتقال کامل پیام از آن استفاده می‌کند. در اثرگذاری کلام، همخوانی با فطرت، مطابقت با مقتضای حال مخاطب، بیان واقعیات و خواسته‌های درونی مخاطب و از همه مهمتر ارتباط و پیوند کلام با منابع دینی و اعتقادی مخاطب امری انکار ناپذیر است؛ امّا نقش آرایه و فنون ادبی را نمی‌شود نادیده گرفت.

آرایه و فنون ادبی را معمولاً در دو سطح تعریف کرده‌اند: یک: لفظی، دو: معنوی. در کلام امام خامنه‌ای، به جهت استعداد خدادادی و ذاتی معظم‌له، آرایه‌های ادبی و فنون بلاغی به صورت بسیار ملیح و دلنشین وجود دارد که در این مقاله به برخی از آرایه‌های لفظی آن پرداخته شده است.

ضرورت موضوع

با توجه به رسالت آموزشی- تربیتی جامعة المصطفی العالمیة به عنوان یک نهاد علمی بین‌المللی، تبیین علمی و روشمند اندیشه‌ای امام خامنه‌ای، (مدظله‌العالی) در تمام عرصه‌ها لازم و ضروری است. یکی از کارهایی که تا هنوز به آن پرداخته نشده بود شیوه و نحوة بهره‌گیری معظم له از آرایه‌ها و اسلوب‌های بلاغی است.

سخنان و بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) دارای سبک و سیاق خاصی است که همیشه مخاطب را از هر طیفی که باشد مسحور و مجذوب خود ساخته و از اثرگذاری خاصی برخوردار است؛ طبعاً در اثرگذاری سخن، پیوند با مبدأ هستی، طیب نفس، ایمان راسخ و اراده قوی در متکلم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ ولی نقش ادبیات و استفاده از فنون بلاغت نیز سهم بزرگی در تأثیرگذاری کلام دارد که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد و امام خامنه‌ای که خود در ادبیات ید طولایی دارد در مواردی زیادی به صورت بسیار زیبا و مناسب از انواع مختلفِ آرایه‌های ادبی در کلامشان بهره برده‌اند؛ ازاین‌روی، مقاله حاضر، بر آن است که

چگونگی بهره‌گیری معظم له از آرایه‌های ادبی و فنون بلاغی را در مقطع لفظ و کاربرد واژگان به عنوان یک الگوی کم نظیر در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد و بهره‌گیری معظم‌له، از آرایه‌های معنوی را در مقاله‌ای دیگر، به یاری خداوند در همین نشریه دنبال خواهیم کرد.

مقدمه

اگر در کل جهان امروز سه نفر، سخنور فصیح و بلیغ از تمام جهات وجود داشته باشد؛ قطعاً یکی از آنان و در رأس همه، امام خامنه‌ای خواهد بود. امام خامنه‌ای، با توجه به کهولت سن و مشغولیت فراوانی که اداره امور دارند، هنوز متقن‌ترین، شیواترین و جذاب‌ترین سخنرانی را هم از لحاظ محتوا و هم از لحاظ شکل و فنون سخنوری ارائه می‌دهند و تمام سخن سنج‌های جهان را انشگت به دهان کرده است که جز عنایت خاصه حضرت حق، چیزی دیگری نمی‌توان گفت.

هرگاه سخن از آرایه و فنون ادبی به میان می‌آید تصور اولیه برای یک فرد فارسی‌زبان این است که آن را فقط در وادی شعر می‌توان دنبال کرد و ظاهراً به همین سبب در بیشتر کتب ادبی که بحث فنون و آرایه‌های ادبی مطرح‌شده معمولاً مثال‌هایی از شعر آورده شده است؛ درحالی‌که این فنون اختصاص به شعر فقط، ندارد و در نثر و خطابه و حتی در محاورات عادی و عمومی نیز می‌توان آرایه‌ها و فنون ادبی را یافت؛ البته در شعر ممکن است مقداری باظرافت بیشتر و لطافت خاصی همراه باشد. مناسب می‌نماید که مقداری به عنوان مقدمه برخی تعاریفی که در پیرامون فصاحت و بلاغت وجود دارد به صورت اختصار ارائه گردد:

فصاحت در لغت به معنی گشاده‌زبان شدن، گشاده سخن و درست مخارج گردیدن است (لغتنامه دهخدا). و به معنای بیان و ظهور نیز استفاده‌شده است مانند: أفصح الصبح" یعنی صبح ظاهر شد.

در اصطلاح اهل ادب فصاحت به معنای درستی و صحت کلام از نظر لفظی و واژگانی و دستوری است؛ یعنی قبل از اینکه ما به تأثیرگذاری و بلاغت جمله فکر کنیم باید در این فکر باشیم که از واژگان صحیح و بافت درست دستوری (نحوی) استفاده کنیم، اگر کلمات

به‌کاررفته در متن غلط باشند، قطعاً نمی‌توان به تأثیر کلام امیدوار بود؛ پس فصاحت، پیش‌نیاز و مقدمه بلاغت، است و این دو مقوله در یک ارتباط متقابل قرار دارند.

جلال‌الدین همایی در تعریف بلاغت می‌گوید: بلاغت کلام آن است که جمله فصیح و برای بیان مقصود گوینده، وافی و رسا و مطابق مقتضای حال و مقام باشد (همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، نشر هما، ۱۳٦۷ . ص ۲٤)؛ یعنی شرط اول در بلاغت، فصاحت کلام است.

صاحب جواهر البلاغة (سید احمد هاشمی بک) تعریف اصطلاحی فصاحت را چنین آورده است:

الفصاحة: فی اصطلاح أهل المعانی، عبارة عن الألفاظ البینة الظاهرة، المتبادرة إلی الفهم، والمأنوسة الاستعمال بین الکُتّابِ والشّعراءِ لِمکانِ حُسنِها (الهاشمی بک، السید احمد، جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والبدیع).

تعریف بلاغت

بلاغت در لغت به معنی چیره زبانی، شیوا سخنی و زبان‌آوری است (لغتنامه دهخدا). و بلاغت در کلام عرب از ریشه «بَلَغَ» به معنای رسیدن گرفته‌شده است مانند: بلغ الرکب المدینه).

بلاغت، در اصطلاح معانی و بیان، رسیدن به مرتبة منتهای کمال در ایراد کلام به رعایت مقتضای حال (همان).

تعریف دیگری که برای بلاغت شده عبارت است از: مطابقت کلام با موضوع اثر (در نوشتار) و (مطابقت آن با موضوع سخن در گفتار) این کار را در دو مرحله می‌تواند انجام دهد ۱. (متکلم) مقتضای حال خود را رعایت کند؛ یعنی صادقانه بنویسد و سخن بگوید. در این صورت همه کسانی که همان حال و هوا را دارند نسبت به اثر او کششی خواهند داشت. ۲. مقتضای موضوع و نیز نوعی ادبی را رعایت کند و از آن خارج نشود (شمیسا، سیروس، بیان و معانی، تهران، میترا، ۱۳۸٤).

تعاریف دیگری در موضوع بلاغت ارائه شده است مانند: بلاغت متکلم ملکه‌ای است که

گوینده به واسطه آن قادر به ارائه سخن بلیغ است و یا این تعریف: متکلم و گوینده‌ای بلیغ است که کلامش فصیح و مطابق با مقتضای حال باشد. جمله، یا کلامی بلیغ است که بر مخاطب تأثیر بگذارد به نحوی که در لذت، شادی و یا اندوه گوینده، شنونده نیز سهیم شود. مقتضای حال او را در نظر بگیرد، به این معنا که در محفلی ایجاب می‌کند سخن با اطناب (تفصیل) ایراد شود و برعکس جایی اقتضا می‌کند سخن با ایجاز (اختصار) بیان شود. پس این وظیفه گوینده است که شرایط مختلف را برای تأثیرگذاری کلامش در نظر بگیرد. تمام این تعاریف یک اصل مشترک دارند و آن رعایت مقتضای حال است.

دکتر همایی، علوم بلاغت را این‌گونه تقسیم کرده است: (در اصطلاح ادبی، فنون بلاغت یا علوم بلاغت شامل سه فنّ است به اسامی معانی، بیان و بدیع که گاهی دو فنّ آخر را بنام فنّ بدیع یا علم بدیع می‌نامند) (همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، نشر هما، ۱۳٦۷). وی در ذیل صفحه اضافه کرده‌اند که چنین تجزیه و تفکیک در زبان عربی صورت پذیرفته و در زبان فارسی تا حدودی به هم آمیخته است.

نکتهٔ دیگر: کار تألیف کتاب مربوط به بلاغت در زبان فارسی از اواخر قرن پنجم شروع شده است و از جمله کتاب‌هایی که در این موضوع نگاشته شده عبارت‌اند: «المعجم فی معاییر اشعار العجم» تألیف شمس قیس رازی؛ «ترجمان‌البلاغه» تألیف محمد بن عمر رادویانی؛ «حدائق‌السحر فی دقایق‌الشعر» تألیف رشیدالدین وطواط و ...

فرق فصاحت از بلاغت

آنچه که از تفحص اقوال علمای فن به دست آمد، فصاحت سه شاخه دارد: فصاحت در مفرد یا (کلمه) فصاحت در کلام، (جمله) فصاحت در متکلم.

امّا بلاغت، این‌گونه نیست بلکه بلاغت را فقط در کلام و متکلم، می‌توان تصور کرد و در مفرد (کلمه) بلاغت معنا ندارد و صحیح نیست بگوییم: کلمة بلیغة» (تفتازانی، مختصر المعانی، کرانه‌ها، شرح و ترجمه مختصر المعانی،(صفحه ۵۸ تا ٦٦) حسن عرفان، مؤسسه انتشارات هجرت).

نتیجه این شد که از تفکیک فصاحت و بلاغت پنج صورت حاصل می‌شود:

۱. کلمه فصیح؛ ۲. کلام فصیح ؛ ۳. متکلم فصیح؛ ۴. کلام بلیغ؛ ۵. متکلم بلیغ.

فصاحت در کلمه

در تعریف فصاحت در مفرد (کلمة فصیح) چنین گفته‌اند: آن کلمه‌ای است که از تنافر حروف و غرابت و مخالفت با معیارهای زبان خالی باشد».

اگر کلمه‌ای از تنافر حروف و غرابت و مخالفت قانون لغوی سالم باشد، فصیح است و اگر از یک جهت از این جهات سالم نبود، فصیح نخواهد بود؛ پس در حصول معنای مراد همه شرایط باید باشد و اما در عدم تحقق آن معنا لازم نیست، همه شرایط مفقود باشد؛ بلکه اگر یکی از آنها هم نباشد، کلمه غیر فصیح خواهد بود؛ یعنی مثلاً کلمه‌ای که تنافر حروف و غرابت ندارد، ولی مخالف قاعده لغوی است، غیر فصیح است.

فصاحت در کلام

در تعریف فصاحت در کلام چنین گفته‌اند: آن کلامی است که از ضعف تألیف و تنافر کلمات و تعقید خالی و از فصاحت برخوردار باشد» (همان).

ضعف التالیف چیست؟ و آن عبارت از این است که کلام بر خلاف قانون نحو که در میان جمهور نحات مشهور است، تألیف شده باشد و مراد از تنافر کلمات این است که وقتی کلمات را در کنار هم قرار می‌گیرد در مجموع، عبارت سنگینی را تشکیل بدهند که در این صورت، عبارت فصیح نخواهد بود؛ هر چند واژه‌ها جداگانه فصیح باشند؛ مثلاً گفته‌اند: این بیت فصیح نیست: و قبر حرب بمکان قفر// و لیس قرب قبر حرب قبر.

مراد از تعقید این است که دلالت کلام بر معنای مراد به جهت پاره‌ای از خلل و اشکالات، روشن نباشد؛ چه این خلل از ناحیه نظم الفاظ باشد یا از ناحیه ترکیب معانی. در صورت اول آن را تعقید لفظی و در صورت دوم آن را تعقید معنوی گویند.

فصاحت در کلمات

فصاحت در کلمات اضافه بر خلوص از ضعف تألیف و تنافر کلمات و تعقید به هر دو قسم

آن، مفردات کلام نیز باید فصیح باشد که شرح آن در فصاحت کلمه گذشت (همان).

فصاحت متکلم

فصاحت متکلم آن است که متکلم مقاصد خود را با تعابیر و واژه‌های فصیح بیان کند و این خصوصیت در او به صورت ملکه در آمده باشد؛ لذا در تعریف آن چنین گفته‌اند: آن ملکه‌ای است که به کمک آن می‌توان مقصود را به لفظی فصیح بیان کرد.

بلاغت در کلام

در تعریف بلاغت در کلام چنین گفته‌اند: آن عبارت است از مطابقت کلام با مقتضای حال همراه فصاحت آن؛ یعنی علاوه بر اینکه کلام باید فصیح باشد، باید با مقتضای حال نیز تطابق داشته باشد (همان).

بلاغت در متکلم

شخصی که دارای قدرت و ملکه‌ای باشد که در اثر آن بتواند کلام بلیغ بسازد، متکلم بلیغ خوانده می‌شود؛ به همین جهت در تعریف آن گفته‌اند: آن ملکه‌ای است که به سبب آن بتوان کلامی بلیغ فراهم آورد (همان).

آنچه که از این تعاریف به دست می‌آید فصاحت و بلاغت دو مقوله‌ای است که از رابطه عموم و خصوص مطلق برخوردارند؛ یعنی هر کلام و متکلم بلیغ باید فصیح نیز باشد؛ ولی عکس لازم نیست. و دیگر اینکه یک کلام یا خطابه‌ای بلیغ هنگامی پدید می‌آید که متکلم ضمن استفاده از واژگان فصیح، آن را در قالب دستوری(نحوی) درست و صحیح قرار دهد و اضافه بر این، از فنون و آرایه‌های ادبی به خوبی بهره گیرد که رکن اصلی و اساسی بلاغت است و مؤثرترین ابزار برای انتقال پیام، تحریک احساسات، ایجاد انگیزه و هیجان در مخاطب است و این مسئله به گونه‌ی از اهمیّت بالایی برخوردار است که یک کلام و خطابه‌ای اگر قرار باشد از اثرگذاری مطلوب بهره‌مند باشد ضمن شیوایی باید ادبی باشد و از آرایه‌های ادبی به حد کفاف در آن استفاده‌شده باشد؛ در غیر این صورت، بلاغت کلام ناقص خواهد بود.

آنچه که قطعی و مسلم است مقولة فصاحت در مورد امام خامنه‌ای به جهت قریحه ذاتی که دارند محال می‌نماید تا از الفاظ معقد و غریب استفاده کند؛ لذا از این مقوله بحث به میان نمی‌آید؛ بلکه بلاغت در کلام معظم له از مقوله‌ای مقتضای حال متکلم و مخاطب به بهترین وجه آن رعایت شده است و در این کتاب از آن نیز بحث به میان نمی‌آید. ازآنجایی‌که یکی ارکان و اسلوب اصلی و اساسی در بلاغت، بهره‌گیری از فنون و آرایه‌های ادبی است و معظم له در این جهت نه فقط در حد مطلوب؛ بلکه در مواردی به شکل اعجاز گونه از آرایه‌های ادبی به بهترین وجه ممکن استفاده کرده و از آن بهره برده‌اند و موضوع این کتاب هم در حقیقت بحث و بررسی بهره‌گیری امام خامنه‌ای از فنون و آرایه‌های ادبی است که تحت عنوان اسلوب‌های بلاغت در کلام امام خامنه‌ای نام نهاده شده است.

توزیع یا واج‌آرایی

یکی از ترفندهای خیلی مهم در ارائه کلام زیبا بهره‌گیری از آرایه واج‌آرایی است؛ به تعبیر دیگر، نغمه واج‌ها، در حقیقت تکرار هدفمندانه‌ی یک عده حروف در مصراع‌های یک بیت یا در زنجیره نثر یا گفتار است که متکلم و شاعر، آگاهانه از این ترفند و هنر به منظور زیبایی ظاهری و یا القای معنای خاص از آن بهره می‌گیرد.

دکتر یحیی کاردگر، در تبیین و تعریف این آرایه و اسلوب، چنین آورده است: تکرار حروف در ضمن بیت یا جمله‌ای، توزیع نامیده می‌شود. آنچه در هم‌آوایی برجسته است، نسبتی است که بین اندیشهٔ اصلی بیت یا جمله و حرف مکرّر وجود دارد. گویی هم‌آوایی علاوه بر ایجاد موسیقی در القای معانی خاص و تأکید بر آن معنا، نیز نقش عمده‌ای دارد (فن بدیع در زبان فارسی، یحیی کاردگر،ص ۳٤۰).

گاهی تکرار یک واج (حرف صامت یا مصوت)[1] در یک بیت یا عبارت به گونه‌ی است که اضافه بر زیبایی ظاهر کلام؛ پدیدآورنده‌ی موسیقی درونی شعر و کلام نیز می‌گردد؛ بدین معنا که آهن و موسیقی کلام، معنی و مفهومی دومی را به مخاطب القاء می‌کند، به عبارت دیگر با توجه به اینکه واج‌آرایی یا نغمه‌ی حروف، تکراری آگاهانه است؛ یعنی شاعر، خطیب یا

نویسنده به منظور القای بیشتر یک مطلب یا مطلبی دیگری که پیوند با موضوع اصلی دارد، دست به چنین کاری می‌زند؛ به عنوان نمونه در بیت زیر از حافظ:

(سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند) در این مصراع واج صامت (چ) تکرار شده که چموشی محبوب حافظ در بازگشت به سوی او را تداعی می‌کند، چموشی معنای است غیر از بی میلی که از ظاهر بیت آشکار است ولی به‌گونه‌ای باهم ربط و پیوند داده شده.

مثال دیگر: (خیزید و خز آرید که هنگام خزان است) در این مصراع از منوچهری، واج‌های صامت (خ) و (ز) تکرار شده است که تداعی‌کننده‌ی صدای ریزش و خرد شدن برگ‌ها در فصل خزان است.

نکته‌ی مهم که باید موردتوجه قرار گیرد کاربرد اسلوب‌های بلاغی و فنون ادبی در خطابه و سخنرانی مقداری متفاوت است نسبت به شعر و آثار نوشتاری؛ یعنی زیبایی‌های ادبی که از کاربرد آرایه‌ها در شعر و آثار نوشتاری ممکن است ایجاد شود، در خطابه و سخنرانی، معنی ندارد که عیناً و با همان کیفیت ایجاد شود؛ چون یک شاعر و نویسنده برای خلق اثر، زمان و فرصتی کافی در اختیار دارد که به بهترین شکل می‌تواند از اسلوب‌ها و آرایه‌ها استفاده کند و در طول زمان و مرور ایام، شعر یا نوشته‌اش را بازبینی کرده و از لحاظ محتوا و صورت آن را ویرایش و آرایش کند و گذشته از این، هدف اولیه در سرودن شعر یا نوشتن یک اثر ادبی تمرکز و توجه بیشتر به جلوهٔ هنری و ادبی آن است و چه بسا محتوا هدف ثانوی باشد؛ امّا یک خطیب هیچ‌وقت نمی‌تواند صد در صد مثل یک شاعر و نویسنده‌ی آثار ادبی، از صنایع و فنون ادبی بهره گیرد؛ چون خطیب و سخنران فقط فرصت دارد که قبل از اجرای سخنرانی در مورد محتوا و تا حدودی قالب ارائه آن فکر یا مرور و تمرین کند که البته این زمان و فرصت کافی را هر سخنرانی ندارد.

اگر دیده می‌شود که در سخنان امام خامنه‌ای از آرایه‌های ادبی بهره گرفته‌شده فقط به جهت قریحه خدادادی و استعداد کم نظیر معظم له، در زمینه ادبیات و تسلّط عجیب ایشان بر مبانی و اصول بیان است که صنایع ادبی به صورت طبیعی به‌وفور در کلام ایشان جلوه می‌کند.

واج‌آرایی در کلام امام خامنه‌ای

به نظر می‌رسد در مواردی معظم له، در کلامشان از صنعت و آرایه واج‌آرایی استفاده کرده‌اند که فقط چند موردی به عنوان نمونه ذکر می‌گردد:

در متن پیامی از امام خامنه‌ای، که به مناسبت هفته دفاع مقدس و مراسم غبارروبی و عطرافشانی مزار شهدا صادرشده بود که قسمتی از آن چنین است:

> شهادت، عطیه‌ی الهی به برگزیدگان است. عظمت این مقام والا متناسب با عظمت از خود گذشتگی مخلصانه‌ای است که شهید را به عرصه‌ی مجاهدت می‌کشاند و شهد شهادت را به او می‌نوشاند (سیّد علی خامنه‌ای ۳۱ شهریور ۱۳۹۶).

در این دو سطر دقیقاً هفت بار واج صامت (ش) و ده بار (هـ) و شانزده بار مصوت (ا) و نه بار واج (د) و نه بار واج (ت) تکرار شده‌اند. چنین تداعی می‌شود که ایشان خواسته‌اند واژه (شهادت) را برجسته نشان دهند که از (ش+ هـ+ ا+ د+ ت) ساخته شده است و همچنین شور و شعف، شهد و شیرینی که با شهادت برای مجاهدان مخلص خداوند، حاصل می‌گردد، نیز به خوبی القاء شده است.

مورد دیگر:

> ...آیه‌ی شریفه‌ی (**وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ الله جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**) را که توصیه تمسک به دین و رعایت وحدت کلمه در آن است، همواره به یاد داشته، هر دو توصیه آن را نصب العین خود قرار دهید و از کید دشمن در این باب بر حذر باشید (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۷۰/۳/۲۶).

در این عبارت کوتاه حدود هشت بار واج صامت (ب) و ۱۳ بار واج صامت (د) و ۱۲ بار (ر) تکرار شده است؛ با توجه به محتوای آیه که اتحاد و اتفاق است، برابری و برادری را تداعی می‌کند و تکرار حروف (ص) و (س) به منظور تأکید بر نقطة کلیدی آیه که همان (وَاعْتَصِمُوا) است خواهد بود.

نمونه دیگر:

> ...آنهایی که بیرون از محیط ادبیات‌اند، اصلاً ادبیات را یک چیز جدّی و یک کار

به‌حساب نمی‌آورند. فرض کنید مهندسی مشغول کارهای فنی و غرق در چرخ و پَرّ و پیچ و مُهره است، در همین حال به او بگوییم که مثلاً به نظر شما این ترجمه یا این رُمّان یا این شعر، چگونه است؟ اصلاً به ذهن او، این یک کار بچه‌گانه و یک کار غیر جدّی می‌آید (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار اعضای گروه ادب و هنر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ۱۳۷۰/۱۲/۵).

در این بیان که فرمودند: « مهندسی مشغول کارهای فنی و غرق در چَرخ و پَرّ و پیچ و مهره است» از واج‌های (چ، پ، خ، ر) به‌گونه‌ای استفاده‌شده که دقیقاً جوش و خروش کار و کارگران، صداهای برخاسته از وسایل و ابزارآلات صنعتی و حال و هوای کارگاه و کارخانه‌ی را تداعی می‌کند.

نمونه دیگر: {فریب‌خوردگان داخلی}

... هرروز حرف‌های دروغ و خلاف و تشنّج آفرینشان منتشر می‌شود؛ دستگاه‌ها هم می‌بینند. مادامی که یک جرم مشخّصی را مرتکب نشده باشند، کسی به آنها کاری ندارد؛ حرف‌هایشان را می‌زنند و در واقع خودشان را تخطئه و تکذیب می‌کنند؛ اما هستند و سعی می‌کنند فضا را آشفته، مغشوش، متشنّج و ناآرام جلوه دهند. درحالی‌که چنین چیزی نیست (بیانات امام خامنه‌ای، در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۸/۹/۲۶).

در این سه سطر و خرده‌ای که از بیانات معظم له انتخاب گردیده، واج صامت (ش) حدود ۱۳ بار تکرار شده است که چنین تداعی می‌شود ایشان به مسئله‌ی اغتشاش و تشنج و آشفتگی توجه اکید دارند و تمام اذهان را به آن نقطه، متمرکز کرده‌اند.

سجع و قرینه

سجع یکی از اسلوب‌های بسیار مهم در صناعات ادبی و فنون بلاغی است. جلال‌الدین همایی، در تعریف این صنعت و فنّ، چنین گفته است:

سجع در اصل لغت به معنی آواز کبوتر و فاخته است و کلمات یک آهنگ آخر قرینه‌های سخن را به بانگ یک نواخت کبوتر و قمری تشبیه کرده‌اند. سجع آن است که کلمات آخر

قرینه‌ها[۲] در وزن یا حروف رَوِی[۳] یا هر دو موافق باشند. (همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صنایع ادبی، ص ۴۱ و ۴۲، تهران- هما- ۱۳۶۷.)

همایی در ادامه اضافه می‌کنند که سجع بر سه قسم است:

۱. سجع متوازی: آن است که کلمات در وزن و حروف روی هردو مطابق باشند، مانند (کار، بار) و (دست، شست) و (نامه، خامه). (همایی- ۱۳۶۷)

نمونه سجع در نثر فارسی: (گلستان سعدی) «قدمی بهر خدا ننهند و دِرَمی بی‌منت و اذی ندهند» در این عبارت (قدمی و درمی) و همچنین (ننهند و ندهند) باهم سجع متوازی دارند.

۲. سجع مطرف: آن است که الفاظ در حروف رَوِی یکی و در وزن مختلف باشند؛ مانند: (کار، شکار) و (دست، شکست) و (شانه، نشانه). (همایی- ۱۳۶۷)

۳. سجع متوازن: آن است که کلمات قرینه فقط در وزن متفق و در حروف روی مختلف باشند؛ مانند: (کام، کار) و (نهال، بهار) و (نامه، ناله). (همایی- ۱۳۶۷)

با توجه به تعریف فوق، یکی از اسلوب‌های ادبی و بلاغی، بهره‌گیری از آرایه و صنعت سجع است. درحقیقت، سجع یک صنعت و فنّ شنیداری است که یک سخنور یا نویسنده به منظور تصرّف و تسلّط بر ادراک شنیداری مخاطب از آن استفاده می‌کند؛ یعنی سخنور با استفاده از این تکنیک و فنّ، کلامش را گوش‌نوازتر می‌کند به گونه‌ی که اگر مخاطب حتی انگیزه و شوقی برای دریافت محتوای کلام را نداشته باشد، آهنگِ چینش کلمات او را جذب کرده و مسحور خود می‌سازد و ناخواسته او را وادار به گوش دادن و شنیدن می‌کند به عنوان نمونه، قرآن که یک کتاب آسمانی است، والاترین محتوا و جامع‌ترین و مهم‌ترین مطالبی را در راستای هدایت، رشد و ترقّی جامعه‌ی بشری در خود دارد و تمام زوایای حیات بشری را با بهترین شکل ممکن پوشش می‌دهد؛ امّا خداوند همین قرآن را در فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین قالب عرضه کرده است که در جامعه‌ی آن روز عرب قرآن در بالاترین حدی از فصاحت و بلاغت و فوق تصور بشر قرار داشته و تا هنوز هم کسی نتوانسته است نظیرش را بیاورد، آرایه‌ی سجع در قرآن به‌وفور و با بهترین شکل آن وجود دارد؛ چنانکه در ابتدای بعثت، مشرکین قریش با اینکه با پیامبر (۹) سَرِ دشمنی و ناسازگاری داشتند؛ امّا وقتی او قرآن تلاوت می‌کرد، همین مخالفین

مخفیانه می‌آمدند و به آن گوش می‌دادند و از زیبایی‌های بلاغی و آهنگ دلنشین آیات قرآن لذت می‌بردند؛ به‌بیان‌دیگر، کفار قریش در ابتدا قرآن و محتوایش را قبول نداشتند؛ ولی جذب بلاغت و آهنگ شیرین و عجیب آیات آن می‌شدند.

قرآن که معجزة فصاحت و بلاغت است، آرایة سجع به زیباترین شکل آن را دارد که در اصطلاح علوم قرآنی به آن (فاصله و فواصل) اطلاق می‌شود؛ به عنوان نمونه سجع در سوره ناس از بهترین نوع آن؛ یعنی سجع متوازی است که وزن و حروف رَوی در کلمات قرینه، مثل هم است:

بِسْمِ الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ(۱) مَلِكِ النَّاسِ(۲) إِلَهِ النَّاسِ(۳) مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ(۴) الَّذِي يوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ(۵) مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ(۶)»

فواصل و سجع در سوره شمس نیز همین طور است:

بِسْمِ الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا(۱) وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا(۲) وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا(۳) وَاللَّيلِ إِذَا يغْشَاهَا(۴) وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا(۵)...» تا آخر سوره. امّا سجع در فواصل سوره فلق بعضی از جنس سجع متوازی و بعضی هم از جنس سجع متوازن است:

بِسْمِ الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ(۱) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ(۲) وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ(۳) وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ(۴) وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ(۵)»

دو آیه اول سجع متوازی دارند (خلق = فلق) آیه دوم و سوّم متوازن (خلق = وقب) و همین طور سوّم و چهارم نیز سجع متوازن دارند؛ یعنی فقط در وزن یکی هستند (وقب = عقد) و آیه چهارم و پنجم مثل آیات اول و دوّم سجع متوازی دارند: (عقد= حسد).

تعداد دیگری از سوره‌های قرآن نیز این فواصل و سجع را دارند مانند سوره‌های حمد، توحید، و ضحی و...

آرایه سجع فقط به فواصل سوره‌ها خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در خیلی از آیات قرآن نیز این اسلوب زیاد دیده می‌شود؛ مانند: (**فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ**). (سوره غاشیه، آیات۱۳

و ١٤) مرفوعه و موضوعه، سجع متوازن دارند.

سجع در کلام امام خامنه‌ای

این آرایه به صورت دقیق و فنی در کلام معظم له، به کار رفته است خصوصاً در خطبه‌های آغازین که در ابتدای سخنرانی‌ها و خطابه‌ها ایراد می‌کنند، زیاد دیده می‌شود به عنوان نمونه:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمدللَّه ربّ العالمین. الحمدللَّه بجمیع محامده کلّها علی جمیع نعمه کلّها. الحمدللَّه علی حلمه بعد علمه. والحمدللَّه علی عفوه بعد قدرته. و الحمدللَّه علی طول آناته فی غضبه و هو قادر علی ما یرید. نحمده و نستعینه و نستهدیه و نؤمن به و نتوکّل علیه و نصلّی و نسلّم علی حبیبه و نجیبه و خیرته فی خلقه و حافظ سرّه و مبلّغ رسالاته؛ سیّدنا و نبیّنا و حبیبنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الأطیبین الأطهرین المنتجبین. سیّما بقیّةاللَّه فی الارضین. و صلّ علی ائمّة المسلمین و حماة المستضعفین و هداة المؤمنین.

(بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۸/۹/۲۶.)

در این خطبه، جملات و واژگان: **(الحمدلله بجمیع محامده کلّها علی جمیع نعمه کلّها) و همچنین: (الحمدللَّه علی حلمه بعد علمه. والحمدللَّه علی عفوه بعد قدرته. و الحمدللَّه علی طول آناته فی غضبه) علاوه بر سجع یک نوع موازنه و ترصیع دارند؛ همچنین است: (نحمده و نستعینه و نستهدیه و نؤمن به و نتوکّل علیه) و (نصلّی و نسلّم علی حبیبه و نجیبه و خیرته فی خلقه و حافظ سرّه و مبلّغ رسالاته؛ سیّدنا و نبیّنا و حبیبنا) و (الأطیبین الأطهرین المنتجبین، الارضین) و (ائمّة المسلمین و حماة المستضعفین و هداة المؤمنین)**

همه سجع دارند و نکته‌ای جالب‌تری که وجود دارد، استفاده پیوسته از صیغه جمع متکلم فعل مضارع است (نحمده و نستعینه و نستهدیه و نؤمن به و نتوکّل علیه و نصلّی و نسلّم) که اضافه بر اینکه شکل و قالب ممتازی به خطبه داده است؛ یک مسئله بسیار مهم و اساسی دیگری را روشن می‌کند اینکه ولی، نقش رابط میان خالق و مخلوق را دارد و ولی، زبان گویای

تمام نیازها و خواست‌های مؤمنین در پیشگاه خداوند است و مؤمنین اگر قرار باشد به عنایتی دست‌یابند فقط از طریق ولی ممکن است و این ولایت در مرتبه اول و بالاصاله مختص أئمه معصومین (:) و در مرتبه ثانی و بالنیابه از آن ولی فقیهی است که گرداننده امور مسلمین است.

امّا در متن و بدنه اصلی سخنرانی و کلام معظم له سجع به صورت متداول خودش وجود ندارد؛ اولاً که صنعت سجع در زبان فارسی فعلاً کاربرد چندانی ندارد؛ یعنی یک فنّ و آرایه قدیمی است؛ ثانیاً به جهت اهتمام به محتوا، اهمیتی چندانی به این آرایه داده نشده است؛ البته در حد یک دو قرینه سجع دیده می‌شود که روال عادی هر کلامی ممکن است در این حد داشته باشد؛ چیزی که مهم است مواردی در کلام معظم له، وجود دارد که قطعاً نغمه واج‌ها موردتوجه بوده است و شکل و قالب بسیار ممتازی به کلام داده است و ازآنجایی‌که بسیار نزدیک و یا شبیه به سجع است، مواردی از آن در اینجا ذکرشده است:

... ملت عظیم‌الشأن و شگفتی‌آفرین ایران! خسته مباد گام‌های استوارتان، سربلند باد پرچم همّت و آزادگی‌تان، درود خدا بر عزم راسخ و بصیرت بی‌همتایتان که همیشه در لحظه‌ی نیاز، صحنه رویارویی با بددلان و بدخواهان را عرصه‌ی پیروزی حق می‌سازد و نمایشگاهی از عزت و عظمت می‌آراید. و سپاسی از ژرفای دل و جان، آفریننده‌ی هستی را که دست قدرت خود را در عزم و ایمان و بصیرت شما نمایان ساخت و در سی‌ویکمین سالروز تولد جمهوری اسلامی، نیرومندی و سرزندگی این نظام را که بر ایمان و اعتماد به نفس ملتی کهن تکیه زده است، بیش از همیشه به رُخ دشمنان کشید (پیام امام خامنه‌ای، به مناسبت تشکر و قدر دانی از حضور پرشور مردم در راهپیمایی روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۸۸).

در این بیان بسیار زیبا که به منظور تعظیم و تکریم از ملت ایران، ایراد فرمودند به جهت تناسب لفظ با محتوا کلمات و واژگان کاملاً برجسته و آهنگین است و با آهنگ خاصی انتخاب گردیده؛ به عنوان نمونه جمله‌ی انشائی: (**ملت عظیم‌الشأن و شگفتی‌آفرین ایران!**) بسیار وزین و با آهنگ رو به بالا و همچنین جمله‌های دعایی: (**خسته مباد گام‌های استوارتان، سربلند باد پرچم همت و آزادگی‌تان، درود خدا بر عزم راسخ و بصیرت بی‌همتایتان**) فخامت و آهنگ واژگان و جملات به گونه‌ی است که ادراک شنیداری هر مخاطبی، بزرگی و

سربلندی را در آن احساس می‌کند. اگر کمی دقت شود در همین جملات دعایی به جای واژه‌ی (شما) که در بسیاری موارد از آن استفاده می‌کنند از واژه و پسوند (تان) استفاده‌شده است و به جای اینکه جمع‌ها را با (های جمع) جمع ببندد با الف و نون، جمع بسته‌اند تا یک نوع فخامت و برجستگی بیشتری را ایجاد کند و یک نوع پیوند آوایی میان واژگان و در بعضی موارد میان قرینه‌ها ایجادشده است و چنین تصور می‌شود که معظم له، می‌خواهد مطبی را القاء کند و آن بزرگی، عظمت، سربلندی و آزادگی است؛ به همین تناسب، کلمات با آهنگ بسیار قوی، وزین و سنگین انتخاب گردیده و کنار هم چیده شده است. واژگان: (ایران، استوارتان، آزادگی‌تان، بی‌همتایتان، بددلان، بدخواهان، جان، ایمان، نمایان، ایمان و دشمنان) هم آوا هستند و به آرایه سجع بیشتر شباهت دارند و اگر مخاطب صاحب ذوقی این متن را مطالعه کند تصویری از دریای آرام و موج‌های بسیار ملایم و پیوسته را در آهنگ این واژگان احساس می‌کند.

نمونه دیگر:

... خدای متعال روزه را واجب کرده است، تا در این ساعات و روزها، فقیر و غنی با یکدیگر برابر شوند. انسانی که تهیدست و فقیر است، نمی‌تواند در طول روز هرچه هوس کرد، بخرد و بخورد و بیاشامد؛ اما آدم‌های غنی، در طول روز، هرچه که هوس می‌کنند و هرچه که می‌خواهند، برایشان فراهم است. غنی، حال فقیر و گرسنگی فقیر و تهیدستی او را از به دست آوردن چیزهایی که مورد اشتهای اوست، درک نمی‌کند؛ اما در روزی که روزه می‌گیرد، همه یکسان‌اند و با اختیار خودشان، از مشتهیّات نفسانی محروم‌اند (بیانات امام خامنه‌ای، در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۸/۹/۲۶).

در این بیان، واژگان: (بخرد، بخورد و بیاشامد) یک نوع سجع یا نغمه حروف را دارند؛ ضمن اینکه (بخورد و بیاشامد) از لحاظ معنا نیز باهم تناسب و پیوند دارند.

نمونه دیگر:

... دنیای سرشار از عدالت و پاکی و راستی و معرفت و محبّت، دنیای دوران امام زمان است که زندگی بشر هم از آنجا به بعد است. زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان است که خدا می‌داند بشر در آنجا به چه

عظمت‌هایی نائل خواهد شد (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۹/۱/۲۶.)

در این بیان، میان واژگان: (پاکی و راستی،) و (معرفت و محبّت) از لحاظ آوا و صدا هرچند طبق تعریف، آرایه سجع نمی‌شود گفت سجع؛ ولی چیزی است شبیه سجع و هم آوایی و هم آهنگی دارند و زنجیره کلام را زیبا جلوه می‌دهد.

نمونه دیگر:

... به مجرّد این‌که بر سر مسئله‌ای در داخل کشور اختلاف نظری به وجود می‌آید، {دشمن}بنا می‌کند یک طرف را کوبیدن، به نفع یک طرف دیگر؛ یک طرف را تعظیم و تجلیل و تکریم کردن، علیه یک طرف دیگر! ما باید هوشیار باشیم، حواسمان جمع باشد و بفهمیم که دشمن در چه فکر و چه خیالی است (بیانات امام خامنه‌ای، در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۱۲/۲۶).

واژگان (تعظیم، تجلیل و تکریم) هم‌صدا و هم آوا هستند و باهم پیوند و ارتباط معنایی نیز دارند.

نمونه دیگر:

... در اختلافات گوناگونی که در بین احزاب دنیا وجود دارد - در همین کشورهایی که خودشان را پیشرو دمکراسی می‌دانند - هیچ‌کدام از این احزاب متعارض و متخالف، با اصول و مبانی آن نظام مخالفت نمی‌کنند؛ والّا از نظر مردم مردود هستند. دستگاه‌هایی دارند؛ دستگاه‌های رعایت قانون اساسی و دادگاه قانون اساسی -شبیه شورای نگهبان خودمان - این‌ها را رد می‌کنند. این‌جور نیست که قبول کنند یک نفری بیاید در یک نظامی، علیه مبانی آن نظام مبارزه کند، معارضه کند، آن وقت نظام در مقابل او ساکت و آرام بنشیند (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۸/۶/۲۰. برابر با ۲۱ رمضان ۱۴۳۰).

واژگان: (متعارض و متخالف) و (مبارزه و معارضه) میانشان پیوند هم‌صدای و هم آوایی بر قرار است.

جناس

آرایهٔ جناس مانند سجع و قرینه بر موسیقی درونی بیت یا جمله می‌افزاید و یکی از فنون مهم

بلاغی به شمار می‌رود، دکتر کاردگر، در تعریف جناس تام نوشته‌اند: «جناس کلماتی را گویند که از نظر تلفظ یکسان‌اند یا یکسانی تلفظ را به مخاطب القاء می‌کنند امّا از نظر معنا مختلف‌اند.» (فن بدیع در زبان فارسی، یحیی کاردگر، ص ۳۲۹.)

کاربرد این آرایه و فنّ در شعر و نثر ادبی بیشتر دیده می‌شود و به چند نوع تقسیم‌شده مثل: جناس تام، جناس ناقص، جناس اشتقاق و جناس شبه اشتقاق. جناس ناقص که خود به ناقص حرکتی، ناقص اختلافی و ناقص افزایشی تقسیم‌شده است؛ البته اسامی و نام‌های دیگری برای انواع جناس در کتب ادبی ذکرشده است که فقط اختلاف در اسم‌گذاری است؛ مانند جناس مطلق که همان جناس تام است؛ یا جناس مردد، مکرر، مزدوج، مجنّب، مرجوع و دوگانه و... در کتاب فنّ بدیع در زبان فارسی، از دکتر کاردگر، تحقیق جامعی در این زمینه صورت گرفته است که پرداختن به همهٔ آن در این کتاب سبب اطاله‌ی کلام خواهد شد. دوستداران اطلاعات بیشتر، مراجعه کنند به (فصل دوم این کتاب از صفحه ۷۱ تا پایان صفحه ۹۳) در این فرصت فقط به معرفی چند نمونه‌ی معروف پرداخته می‌شود که تقریباً تمام انواع را پوشش می‌دهد:

۱. جناس تام

جناس تام، یکسانی دو واژه در تعداد و ترتیب واج‌هاست؛ یعنی هرگاه شاعر، نویسنده یا خطیبی از کلماتی استفاده کرد که از لحاظ ظاهر هیچ تفاوتی با یکدیگر نداشتند آرایه جناس تام شکل گرفته است، مانند:

بهـرام که گور می‌گرفتی همه عمر　　دیدی که چگونه گور بهـرام گرفت

در این بیت، گور اول به معنی گورخر و گور دوم به معنی قبر است.

مثال دیگر:

کار پاکان را قیـاس از خـود مگیر　　گرچه باشد در نوشتن شیر، شیر

در این بیت واژه (شیر) دو بار به‌کاررفته که یکی همان شیر (لبن= mik) خوردنی است و دیگری نام حیوان درنده معروف (اسد= lion).[۴]

بردوخته‌ام دیده چو باز از همه عالم　　تا دیده من بر رخ زیبای تو باز است

در این بیت واژگان (باز) که در هردو مصراع آمده از لحاظ لفظ هیچ تفاوتی باهم ندارند؛ امّا معنی هردو مانند مثال‌های قبل کاملاً فرق دارد؛ باز، در مصراع اول به معنی پرنده شکاری است و بازی که در مصراع دوم به‌کاررفته به معنی گشاده و مقابل بسته است. این مثال‌ها همان جناسی است که در تعریف دکتر کاردگر، آمده بود و در خطابه کمتر مورداستفاده قرار می‌گیرد؛ چون خطابه یک امر ابداعی و ایجادی است؛ یعنی خطیب برای رساندن و ابلاغ مطلب موردنظر، بالبداهه (آنی) باید از الفاظی استفاده کند و جملاتی را ابداع کند به همین منظور فرصت چندانی برای گزینش الفاظ این‌چنینی را ندارد و حتی ممکن است در افاده مطلب برای عامه مردم مخلّ باشد چون همه که با معانی مختلف یک واژه و کلمه آشنایی ندارد؛ لذا در سخنرانی‌ها کمتر اتفاق می‌افتد کسی در یک جمله از کلماتی استفاده کند که از لحاظ لفظ و ظاهر یکی و از لحاظ معنی متفاوت باشند.

از این نوع جناس در کلام امام خامنه‌ای، با بررسی که انجام گرفت موردی یافت نشده است.

۲. جناس ناقص

جناس ناقص خود به سه قسم تقسیم می‌شود:

الف) جناس ناقص حرکتی

در جناس ناقص حرکتی، یکسانی دو یا چند واژه فقط در صامت‌ها و اختلاف آن‌ها در مصوت‌های کوتاه است که تکرار صامت‌ها، موسیقی درونی مصراع را پدید می‌آورد؛ مانند این بیت از مولوی:

شکر کند چرخ فلک، از مَلِک و مُلک و مَلَک

کز کرم و بخشش او، روشن و بخشنده شدم

در بیت فوق، سه واژه « مَلِک، مُلک، مَلَک» به‌کاررفته‌اند، صامت‌های هر سه واژه (م ل ک) یکسان هستند و مصوت‌های کوتاه (ـَـِـُـ) و معنی‌شان باهم متفاوت است.

ب) جناس ناقص اختلافی

در جناس ناقص اختلافی، اختلاف در حرف اول، وسط یا آخر است؛ البته این اختلاف فقط در یک حرف باشد؛ مانند این بیت فردوسی:

بدانگه که خیزد خروش خروس ز درگاه برخاست آوای کوس

واژگان (خروش خروس) جناس اختلافی دارند چون در حرف آخر باهم اختلاف دارند.

کاربرد آرایه جناس در کلام امام خامنه‌ای، به صورت برجسته دیده می‌شود؛ به عنوان مثال:

... یک مثال، به ایجاد فضای سالم و دور از تعصب‌های جاهلانه در محیط زندگی مردم مربوط است. می‌دانید که همه‌ی ملت‌ها همین طور هستند و جز افرادی که از لحاظ معرفت، به سطح خیلی بالایی رسیده باشند، وضعشان این‌گونه است که در موارد زیادی تعصبات و غرض‌ها و مرض‌ها و حقدها و امثال آن، بر زندگی آنها حکومت می‌کند و مردم را از رفتار عادلانه و حق بازمی‌دارد و فضا را فضای ناسالم می‌کند (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۸/۷/۲۸)

در این بیان، واژگان: (غرض‌ها و مرض‌ها) جناس اختلافی دارند و اختلافشان در حروف (م) و (غ) است.

نمونه دیگر:

... همان‌طور که اشاره کردم، مسئله این نیست که این شخص، همسر پیامبر بود. اگر همسر پیامبر هم نبود، همین عتاب و خطاب و همین تکلیف برای مؤمنین وجود داشت. لذا در اسلام این‌گونه است که اگر کسی، کس دیگری را به بعضی از تهمت‌های خاص متهم کند، اگر نتواند آن را با چهار شاهدِ عادل ثابت کند، خود تهمت زننده محکوم است که بر او حد جاری بشود. (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۸/۷/۲۸)

در این عبارت، (**عتاب و خطاب**) جناس اختلافی دارند و آن در حروف (خ) و (ع) است البته حروف (ت) و (ط) نیز باهم فرق دارند؛ امّا در زبان فارسی، اختلافی به حساب نمی‌اید و هردو یکی هستند.

ج) جناس ناقص افزایشی

در جناس ناقص افزایشی، اختلاف در معنی و تعداد حروف است، این نوع جناس در بعضی کتب جناس زائد یا مذیّل نیز نامیده شده است. در جناس ناقص افزایشی، افزایش ممکن است در حرف اول، وسط و یا آخر باشد؛ مانند آنچه که در این بیت از حافظ دیده می‌شود:

سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند همدم گل نمی‌شود، یاد سمن نمی‌کند

در این بیت واژگان (چمان و چمن) جناس افزایشی دارند.

از این آرایه در کلام امام خامنه‌ای، زیاد استفاده‌شده است در اینجا به منظور اختصار فقط چند نمونه از آن ذکر می‌گردد:

... یک مثال دیگر می‌زنم تا نشان بدهم که پیامبرﷺ چگونه فضای جامعه را با ارزش‌های اسلامی می‌آغشت. در اسلام - منهای عقاید و سلایق سیاسی و خط و ربط و بقیه‌ی امور - این روح وفاداری و حق‌شناسی و پاسِ زحمات و خدمات افراد را داشتن است که مهم می‌باشد و در سلامت جامعه بسیار مؤثر است و پیامبر عملاً روی آن زیاد تکیه می‌فرمودند. ایشان، صرفاً به زبان اکتفا نمی‌کردند و مثلاً بفرمایند پاس عهد و پیمان و حق‌شناسی نسبت به یکدیگر را داشته باشید؛ بلکه در عمل هم این فضا را به وجود می‌آوردند. بیانات امام خامنه‌ای، در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۸/۷/۲۸.

در این عبارت دو واژه‌ی: (خط و ربط) جناس ناقص افزایشی دارند و واژگان (عقاید و سلایق) و (زحمات و خدمات) جناس اختلافی دارند.

نمونه دیگر:

... موسیقی‌ای که وقتی برای دختر و پسر جوان، یا حتّی غیر جوان نواخته بشود، یا عرضه بشود، یا خوانده بشود و او را به ملاهی و مناهی و فساد و شهوات بکشاند و از آن نزاهت مطلوب اسلام خارج کند، حرام است، این می‌تواند موسیقی سنتی باشد، می‌تواند موسیقی غربی باشد، می‌تواند موسیقی محلی - یا به قول شماها موسیقی مقامی - باشد؛ فرقی نمی‌کند؛ هر موسیقی‌ای که این‌طوری باشد، مصداق بارز حرام است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار اعضای ادب و هنر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۱۲/۵.)

در عبارت فوق، وازگان (ملاهی و مناهی) جناس اختلافی دارند.

نمونه دیگر:

«... شما ملت ایران در این برهه‌ی از زمان، کار بزرگی را انجام دادید، حرکت بزرگی را انجام دادید و خدای متعال به حول و قوه‌ی خود به این حرکت برکت خواهد داد و پیش خواهد رفت.» (بیانات در سالروز میلاد امیر المؤمنین علیه السلام ۱۳۸۸/۴/۱۵.)

(حرکت برکت) جناس اختلافی دارند.

۳. جناس اشتقاق

یکی از اسلوب‌ها و آرایه‌ی ادبی به‌کارگیری واژه‌ها و کلماتی هم‌خانواده است؛ معمولاً این نوع کلمات از یک اصل و ریشه و مشتقات یک مصدر هستند. جلاالدین همایی صاحب کتاب فنون بلاغت و صنایع ادبی در این مورد می‌فرماید: «جناس اشتقاق، از فروع جناس است و آن است که در نظم یا نثر الفاظی را بیاورند که حروف آن‌ها متجانس و به یکدیگر شبیه باشد و از یک ریشه مشتق شده باشد.» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، جلال الدین همایی، ص ۶۱.)

مثال این نوع جناس در شعر:

گر لب بگشایم به تکلم در عشق　　صد مِثل تو معشوقه جوابم نکند

(بهزاد چهارتنگی ((خاموش))

واژگان (عشق و معشوقه) جناس اشتقاق دارند.

مثال دیگر:

موج زخود رفته‌ای تند خرامید و گفت　　هستم اگر می‌روم گر نروم نیستم

در این مثال، (هستم و نیستم) و (می‌روم و نروم) جناس اشتقاق دارند.

از این نوع جناس در کلام امام خامنه‌ای، زیاد دیده می‌شود و زیبایی خاصی را در کلام ایجاد نموده است که در اینجا به عنوان نمونه مواردی از آن ذکر می‌گردد:

... در مباحث مربوط به عاشورا، سه بحثِ عمده وجود دارد: یکی بحث علل و انگیزه‌های قیام امام حسین علیه السلام است، که چرا امام حسین قیام کرد؛ یعنی تحلیل دینی و علمی و سیاسی این قیام. در این زمینه، ما قبلاً تفصیلاً عرایضی عرض کرده‌ایم؛ فُضَلا و بزرگان هم بحث‌های خوبی کرده‌اند. امروز وارد آن بحث

نمی‌شویم. (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۷/۲/۱۸. منبع دیگر: چهار گفتار، ص ۹۴.)

(عرایض و عرض) جناس اشتقاق دارند.

نمونه دیگر که از همین دو واژه عرایض و عرض استفاده شده:

«... یک جمله در زیارت اربعینِ امام حسین علیه‌الصّلاةوالسّلام ذکرشده است که مانند بسیاری از جملات این زیارت‌ها و دعاها، بسیار پُرمغز و در خور تأمّل و تدبّر است. امروز به مناسبت روز تاسوعا و روز عزا، در خطبه اول قدری پیرامون همین جمله - که ناظر به جهت قیام حسینی است - عرایضی عرض می‌کنیم.» (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۱/۲۶.)

نمونه دیگر:

... البتّه درباره‌ی خانواده‌ی شهدا من حرفْ زیاد دارم؛ زیاد هم حرف زده‌ام؛ حرف‌های زیادی دارم درباره‌ی خانواده‌ی شهدا. مسئله‌ی خانواده‌ی شهدا فقط این نیست که یک شهید از آنها در راه حق به شهادت رسیده؛ صبر آنها خودش یک کوه باارزش است. همین‌که پدر شهید، مادر شهید، همسر شهید، فرزند شهید، صبر می‌کنند بر این مصیبت، خود این یک ارزش بسیار والایی است؛ بسیار والا «أُولَئِكَ عَلَيهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ» (البقرة/۱۵۷) شما باور می‌کنید که خدا بر شما صلوات بفرستد؟ خدا صلوات بفرستد بر شما! شما که خانواده‌ی شهید هستید، وقتی صبر می‌کنید بر این مصیبت و شکر می‌کنید خدا را و تحمّل می‌کنید و این را پای خدا حساب می‌کنید، این صبر شما موجب می‌شود که خدای عزّوجل -که مالک مُلک و ملکوت است، مالک عالم وجود است- بر شما صلوات بفرستد. این‌ها ارزش است؛ ما این مفاهیم را باید درست بفهمیم. این مفاهیم، نیروهای عجیبی در وجود ما ایجاد می‌کند، ما را آماده می‌کند برای خیلی کارهای بزرگ. (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار خانواده‌های شهدای مرزبان و مدافع حرم ۱۳۹۶/۳/۲۸).

در این بیان، واژگان (مالک، مّلک و ملکوت) جناس اختلافی و اشتقاق دارند و ضمن زیبایی که به رشته کلام داده است، سبب وزانت و فخامت کلام شده.

برخی منابعی که در تألیف اثر مورد استفاده قرار گرفته است:

پی‌نوشت‌ها

در زبان فارسی ۲۹ تا واج داریم که ۲۳ تای آن صامت و ۶ تای آن مصوت‌های کوتاه و بلند هستند؛ مصوت کوتاه: ـَـِـُ مصوت‌های بلند: و- ا - ی.

۲. به کلماتی که موازی و برابر هم قرار می‌گیرند، قرینه گفته می‌شود.

۳. آخرین حرف قافیه و اسجاع را حروف روی می‌گویند.

۴. در زبان‌های فارسی دری و فارسی تاجیکی تلفظ این کلمه در هریک از این دو معنی متفاوت است؛ یعنی شیر که در معنی (لبن=**mik**) است به صورت اصلی (شِیر) تلفظ می‌شود؛ ولی در معنی حیوان (شِر) با یای معدوله تلفظ می‌گردد= (ش ِر).

کتابنامه

قرآن کریم.

الهاشمی بك، السید أحمد، جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والبدیع.

انوری، حسن، احمدی گیوی، حسن، دستور زبان فارسی ۲ ناشر: مؤسسه فرهنگی فاطمی، چاپ پنجم، ۱۳۸۸.

تفتازانی، سعد الدین، مختصر المعانی، (شرح علی تلخیص المفتاح،) انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۳.

راستگو، محمد، هنر سخن‌آرایی، تهران، سمت، ۱۳۸۲.

شمیسا، سیروس، بیان و معانی، تهران، میترا ۱۳۸۴.

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، آداب روزه‌داری و احوال روزه‌داران، (گزیده از مجموعه‌ی توصیه‌ها، نصایح، تحلیل‌ها و مواعظی است که در طول ۲۲ سال از ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۰ در بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ارائه شده است. (نسخه الکترونیکی)

ـــــــــ چهار گفتار، در تبیین زمینه‌ها، علل و آثار حادثه عاشورا، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، (مدظله‌العالی)، (نسخه الکترونیکی) .

ـــــــــ نقشه‌ی نقش بر آب، مروری بر بیانات حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، (مدظله‌العالی) رهبر معظم انقلاب، پیرامون فتنة سال ۸۸.

شریفی، محمد، فرهنگ ادبیات زبان فارسی، تهران- فرهنگ نشر نو،انتشارات معین ۱۳۸۷.

صهبا، انسان ۲۵۰ ساله، (بیانات مقام معظم رهبری در بارهٔ زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه معصومین علیهم‌السلام، ویرایش دوم، چاپ شصت و دوم، ۱۳۹۵. انتشارات: مؤسسه ایمان جهادی.

عرفان، حسن، کرانه‌ها، شرح فارسی کتاب مختصر المعانی، انتشارات هجرت، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ش.

کاردگر، یحیی، فن بدیع در زبان فارسی، (بررسی تاریخی-تحلیلی صنایع بدیعی از آغاز تا امروز) تهران: فرا سخن۱۳۸۸.

کربلایی نظر، محسن، و جمعی از محققین، زن و بازیابی هویت حقیقی، (گزیده بیانات حضرت

آیت‌الله خامنه‌ای) انتشارات انقلاب اسلامی، (نسخه الکترونیکی)
همایی، جلال‌الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، نشر هما ۱۳۶۷.
پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای: (http://farsi.khamenei.ir/index.html)